

تفسیر لطایف قرآن (لطایف التفسیر)

گزیده‌ای کهن از کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار رشیدالدین میبدی

* حسین مسرت *

* پیام شمس‌الدینی *

چکیده

تفسیر لطائف قرآن - یا آن‌گونه که در فهرست‌ها آمده است لطائف‌التفسیر^۱ - گزیده کهنی است از کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار رشیدالدین میبدی. این گزیده در قرن هشتم هجری قمری به قلم عبدالحی بن محمد بن محمد جامی نگاشته شده است.^۲ تاکنون تنها دو نسخه از این گزیده یافت شده است: نسخه نخست در کتابخانه شماره ۲ مجلس شورای اسلامی (سنای سابق) نگهداری می‌شود و نسخه دیگر در کتابخانه حمیدیة استانبول.

عبدالحی بن محمد بن محمد جامی، مؤلفی ناشناخته از دیار تربت شیخ احمد جام است که تاکنون نام و نشانی از او به دست نیامده است.^۳ همین قدر از او می‌دانیم که در یک شنبه ۲۷ شعبان ۷۶۱ ه. ق تحریر کتابی را به پایان برده که اکنون کهن‌ترین گزیده کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار میبدی به شمار می‌آید.

کلید واژه: لطائف‌التفسیر، عبدالحی بن محمد بن محمد جامی، کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار.

اهمیت تفسیر لطائف

برترین ویژگی تفسیر لطائف در این است که نخستین گزیده شناخته شده کشف‌الاسرار است. عبدالحی جامی در تألیف کتاب خود نسخه‌ای از کشف‌الاسرار را در اختیار داشته

* پژوهشگر و محقق متون ادبی و تاریخی.

* پژوهشگر متون ادبی و تاریخی.

که پیش از ۷۶۱ ه. ق (زمان تألیف لطائف) استنساخ شده بوده است. اگر نسخه‌های موجود کشف الاسرار را در نظر بیاوریم، متوجه می‌شویم از میان بیش از پنجاه نسخه‌ای که به گونه‌ای اطلاعی از آنها در دست است، تنها بیست نسخه - آن هم بعضاً ناقص - متعلق به سالهای پیش از ۷۶۱ ق هستند و این مزیتی است چشمگیر برای تفسیر لطائف در امر تصحیح مجدد کشف الاسرار. تفسیر لطائف گزیده‌ای است کامل که نزدیک به یک پنجم از کشف را در بر دارد.

نکته دیگر در اهمیت تفسیر لطائف در این است که با توجه به جامی بودن مؤلف، می‌توان گفت تألیف آن در محیط فرهنگی خراسان و نزدیک به محیط اصلی تألیف کشف صورت گرفته است و چه بسا از این جهت کمتر از سایر نسخ کشف در معرض دگرگونی‌های زبانی قرار گرفته باشد.

برای مثال می‌توان موردی را یادآور شد: در کشف الاسرار چاپی (ج ۷، ص ۳۳۴) ذیل سوره قصص، بیتی هست که به گونه خوانده نشده، چاپ شده است، اما صورت درست آن بیت را در نسخه لطائف می‌بینیم

گر نه جهت تو بودی ای درّ خوشاب! آدم نزدی دمی درین کوی خراب
این ضبط، اختلاف چشمگیری با نسخه چاپی دارد و نشان دهنده این است که نسخه‌ای از کشف در اختیار عبدالحی جامی بوده که اکنون نشانی از آن در دست نیست. حال آنکه بسیار به نسخه توقاپوسرای استانبول که حکمت در پاورقی متن چاپی با رمز «ج» از آن یاد کرده، نزدیک است.

لطائف از جهت محتوی نیز ویژگی‌های غیرقابل انکاری دارد؛

نخست: تفسیری است عارفانه از قرآن و گنجینه‌ای است از اعتقادات عارفان و متصوفه. مؤلف از یک سو نوبت سوم کشف را تلخیص و پالایش کرده است و از سویی دقیق و گفتارهای بدیع عرفانی را از عرفای ناموری چون شبلی و جنید و حلاج آورده است. خود نیز ظاهراً از صوفیان بوده است و در تکمیل و غنا بخشیدن به تألیفش منابع دیگری را به کار برده است.

دو دیگر: لطائف و جُنکی است از ادبیات فارسی، شامل اشعار شاعران مشهور و مهجور سده هشتم هجری قمری. در این کتاب، قطعات، رباعیات، غزلیات و مثنوی‌هایی دیده می‌شود که پژوهش در آنها نیز راهگشای تصحیح دیوان تنی چند از شاعران خواهد بود. به عنوان مثال، به اعتبار قدمت می‌تواند منبع خوبی برای تصحیح

دیوان سنایی باشد. در موارد متعددی شواهدی از بوستان و خمسة نظامی نیز یاد شده است. از میان رباعیات بسیار کتاب، یک رباعی از رشید و طواط (متوفی ۵۷۳ ه. ق) نیز دیده می‌شود.

شیوه جامی در نگارش لطائف

عبدالحی جامی در تدوین تفسیر لطائف تنها گزیده‌ای از کشف را ارائه نداده است، بلکه با افزوده‌هایی از خویش صورت تألیف گونه‌ای بدان بخشیده است. این تألیف از الگوی تکرار شونده‌ای در هر فصل تبعیت می‌کند. آن الگو چنین است: مؤلف ابتدا با ذکر عبارت «فصل فی قوله تعالی» بخشی یا بعضاً تمام آیه‌ای از قرآن را می‌آورد. به عنوان مثال در نخستین عنوان تفسیر آمده است: «فصل فی معانی التسمیة». سپس حدیثی مرتبط با آن آیه از قرآن را ذکر می‌کند. پس از آن مناجاتی مسجع و گاه منظوم می‌آورد با عنوان «المناجاة الرحمانیة». سپس با عنوان «ثناء التنبیة» به ستایش پیامبر می‌پردازد. پس از این به بدنه اصلی هر فصل می‌رسیم که تفسیر عارفانه‌ای است از قرآن با استفاده از اشعار و امثال فارسی و عربی. مؤلف در این بخش، کلمات و حکایاتی متناسب به بزرگان دین و عرفان نیز آورده است. البته بخش عمده این تفسیر همان منتخبانی است که از نوبت سوم کشف شده. در این منتخب از نوبت اول نشانی نیست و از نوبت دوم به جز عباراتی کوتاه چشم‌پوشی شده است.

پیشنهاد تصحیح و چاپ این کتاب در ایام تهیه و تدارک مقدمات برگزاری کنگره بزرگداشت ابوالفضل رشیدالدین میبیدی در بهار ۱۳۷۴ از سوی استاد نجیب مایل هروی به حسین مسرت، یکی از کوشندگان، توصیه شد. پس با به دست آوردن نسخه‌ای از آن این کوشش ده ساله آغاز گردید. چاپ منتخبی از لطائف التفسیر و سپس چاپ متن کامل آن در دستور کار کنگره قرار گرفت. آن منتخب به تصحیح و گزینش حسین مسرت مراحل استنساخ، مقابله با کشف الاسرار، تصحیح، حروفچینی و ویراستاری را از سر گذراند و سرانجام به پیشنهاد دکتر نصرالله پورجوادی به سلسله انتشارات مرکز نشر دانشگاهی انتقال یافت. اما در این اثنا نسخه دیگری از این کتاب ارزشمند که پیش از این شناسایی شده بود (نگاه کنید به کتابشناسی میبیدی) یعنی همان نسخه محفوظ در کتابخانه حمیدیه استانبول نیز به لطف دکتر پورجوادی به دست نگارندگان رسید و از ۲۵ مهر ۱۳۸۳ تصحیح کامل کتاب براساس دو نسخه آغاز شد.

نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی

نخستین نسخه یافت شده تفسیر لطائف که قدیمی ترین نسخه آن نیز هست و در تصحیح ما - با رمز «س» - نسخه اساس قرار گرفته، هم اکنون در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۲ (مجلس سنای سابق) با شماره ۱۴۱۵ نگهداری می شود. کتاب ۳۹۴ برگ و هر برگ ۳۵ سطر دارد. ابعاد آن ۱۵ × ۲۴ سانتی متر است و خط آن به نسخی کم نقطه و دشوار خوان. ترقیم اصلی کتاب چنین است:

تم الكتاب بعون الملك الوهاب

والحمد لله رب العالمين و الصلوة على محمد و آله أجمعين

سعی عبدالحی بن محمد بن محمد الجامی فرغ منه

سلخ^۴ يوم الأحد السابع والعشرين من شعبان

سنة احدى و ستين سبعة

و پس از آن پراکنده‌هایی در ده صفحه به نظم و نثر از بزرگان به قلم چند نفر بجز کاتب نسخه آمده است: جهت بستن تب؛ غزلیاتی از شیخ عمادالدین الفقیه الکرمانی، در چهار صفحه؛ غزلی از «عصار»؛ «آیه‌الکرسی را سید آیات چرا می خوانند»، از کلمات استاد عبدالغفار الزنجانی؛ و سرانجام فصلی در تیس. مطالب درج شده از فراغ عبدالحی جامی تا این موضع به خطی دیگر است و پس از این فراغی دیگر با خط شخصی دیگر آمده:

قد كتب هذا الكتاب المسمى بلطائف التفسير، العبد الفقير و المعترف و التقصير، [...]، مفارق الوطن و راكب المحن، حسين بن علي، أبصر [ه] الله بعيوب نفسه، قبل أن يذيقه الإمام من كأسه، [...]، برسم خزانة عمدة الأعلی و الأكابر [...] الأمير بوميد (؟) بطربزون [...] وقع ابتداء الكتابة في سبع بقين من الرجب المرجب و ختم في سبع محرم الحرام في ۹۸۰ ببلدة أرض روم - حماه الله تعالى أهله عن الآفات و الهموم. و پس از آن خطبه‌ای دعایی به ترکی آورده است. از آن پس در دو صفحه پایانی کتاب، مطالبی دیگر با خطی دیگر آمده:

مأمول از مکارم اخلاق ناظران نافذ البصيرة و ملتمس از مراسم اشفاق مطالعه کنندگان صادق العقیده آنکه چون این اوراق کتاب شریف و اجزای این خطاب لطیف در نظر آرند و همت عالی نهمت بر مطالعه آن گمارند، باعث^۵ این جمع و ترتیب را بر گوشه خاطر عاطر بگذرانند و [...]

مطالب فوق را اشعاری به فارسی و عربی دنبال می‌کنند که غالباً نسخه‌نویسان در پایان نسخه‌های خود می‌نوشته‌اند و آخرین مطلب با این خط، نقل قولی است از کتاب ابن الوقار البخاری که با رقم «حسین الواعظ» (ظاهراً حسین واعظ کاشفی) به پایان رسیده است.

علاوه بر این، در حاشیه‌های کتاب، اشعار مختلفی از شاعرانی چون همام الدین تبریزی و عراقی نیز آمده است. بخشی از کتاب نیز افتادگی داشته که بعداً با خطی به مراتب نیکوتر نونویسی شده است. این افتادگی از ابتدای سوره انعام آغاز می‌شود در هامش برگ قبلی یادداشتی چنین آمده است:

بدأ بالمطالعة من هذه السورة الشريفة الحقير الفقير محمد بن يوسف المدرّس في يوم الاثنين الخامس والعشرين من شهر رمضان معتكفاً في جامع جعفر افندی المرحوم لسنة احدى وسبعين و الف - اللهم يسّر لنا تكميلها.

این افتادگی تا پایان سوره رعد ادامه می‌یابد. در این بخش از نسخه، حاشیه‌های یاد شده وجود ندارد و تنها در مواضعی اندک با خطی شبیه به ترقیم حسین بن علی، عنوانهای مطالب نگاشته شده است.

در پایان امر تصحیح لطائف و هنگام مقابله با کشف الاسرار جهت نشان دادن موارد یکسانی یا غیر آن، مشخص شد که نسخه «س» بسیار به کشف الاسرار نزدیکتر است. ظواهر این نسخه حاکی از آن است که در کانون نسخه‌پردازی دانشوران تهیه شده است و همچنان دست به دست می‌چرخیده است. علاوه بر آگاهی‌های یاد شده، کتاب زمانی در تملک عبدالفتاح بیک و حسین الحسینی بوده است.

نسخه حمیدیه

نسخه دوم تفسیر لطائف که در کتابخانه حمیدیه استانبول نگهداری می‌شود و ما از آن با رمز «ح» یاد می‌کنیم، تاکنون ناشناخته بوده است. یکی به این دلیل که فهرست‌نگار کتابخانه حمیدیه، فردی به نام سلیمان بن ابراهیم نجفی (متوفی ۱۱۱۹ ه. ق) را بدون هیچ دلیلی مؤلف کتاب دانسته و دیگر آنکه استوری به نقل از ریترو و پس از او عباس اقبال، همگی، یا بدون مطالعه دقیق کتاب و یا با در هم کردن مشخصات چند مدخل، نشانی‌های نادرستی از کتاب گزارش کرده‌اند.^۶

نسخه حمیدیه که تصویر آن به لطف دکتر پورجوادی به دست کوشندگان رسیده

است، ۵۷۸ برگ دارد و هر برگ آن ۲۴ سطر. خط نسخ نسبتاً خوانایی دارد و نیمه مشکول است. در این نسخه، برخی تصرّفات راه یافته است، مانند: افزودن لوح‌های فصل‌بندی و معرّفی اشعار یا تغییر القاب و ادعیه.^۷ اشعار متون عربی لطایف غالباً در این نسخه حذف شده است. در نسخه حمیدیه پس از اتمام مطالب لطائف از فراغ عبدالحی جامی خبری نیست و به جای آن بخشی دارد با عنوان «فراغ عتیق» که در آن نگارش کتاب را به علاءالدوله والدین (شاید علاءالدوله سمنانی) نسبت داده است.

قد وقع الفراغ من تحریر کتاب تفسیر الطایف، المشحون بالأسرار و المعارف، من تألیفات مولی الموالی، صدرالأعالی، علاءالدوله والدین [...]

علاوه بر این، ادعا شده است اصل کتاب که به سبب سرعت کتابت مؤلف مشوّش گردیده، در اختیار کاتب بوده است. کاتب این فراغ، خود را حسین بن علی معرّفی می‌کند و می‌گوید نسخه را در ۶ محرم ۹۸۰ ه. ق به امر فخرالامراء عمر نگاشته است. پس از آن بخشی از مطلبی را که در نسخه سنا به خط حسین بن علی بود، در نسخه خود گنجانده است. این فراغ با ادعیه‌ای که حاکی از سنی بودن کاتب آن است، به پایان می‌رسد. حال آنکه در فراغ نسخه سنا اشارات صریحی موجود است بر شیعه بودن حسین بن علی.

در نسخه حمیدیه پس از «فراغ عتیق» به فراغ دیگری برمی‌خوریم با عنوان «ثم الفراغ من بعد» که با تتر و نظمی بسیار سخیف و مهمل نگاشته شده است. این فراغ که در یک شنبه آخر ایام بیض سال هزار و...؟ به دست احمد بن محمد آغاز شده و در اواسط محرم ۱۰۱۹ ه. ق به پایان رسیده، از آن کاتب اصلی نسخه است. کاتب در آن از نداشتن کاغذ و سرما و گرمای محل زندگی‌اش نالیده و سلطان محمد نامی را دعاگویی کرده است. در ابتدای نسخه دو یادداشت دیده می‌شود: نخستین از کاتب که ابتدای کتابت تفسیر لطائف را شنبه ۱۱ صفر ۱۰۱۸ ه. ق عنوان کرده، و دیگری از محمد حلبی‌زاده قاضی که در قسطنطنیه کتاب را تصاحب کرده است. آثار مهر شش گوش او در صفحات کتاب نیز دیده می‌شود:

وقف المولی محمد بن حسام الدین الشهیر بقره حلبی‌زاده المنفصل عن قضاء عساکر روم [...] علی أولاده ثم علی أولاد أولاده ثم و [...] علی العلماء القادرین علی مطالعه ۱۰۳۸.

آثار مهرگرد دیگری نیز در کتاب دیده می‌شود که از آن حمید پاشاست:

وقف هذالکتاب خلیل حمید پاشا بشرط ان لایخرج من خزائنه ۱۱۹۷

با توجه به جمیع شواهد یاد شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگر نسخه کتابخانه سنای سابق همان نسخه مؤلف نباشد، دست کم بدون واسطه از آن رونویسی شده است. سپس در تاریخی پس از آن افتادگی آن ترمیم شده است و در سالیانی پس از آن ترقیم نسخه دیگری از کتاب که توسط حسین بن علی و از روی مسووده مؤلف نگاشته شده بوده است، به پایان آن افزوده شده. این نسخه زمانی در کتابخانه‌های آسیای صغیر چرخیده و سرانجام به کتابخانه سنای سابق رسیده است. نسخه پاکنویس شده حسین بن علی از روی متن اصلی تفسیر لطائف نیز توسط کاتب دیگری در آسیای صغیر رونویسی شده و در خزانه پاشاهای عثمانی مانده تا به دست خلیل حمید پاشا رسیده است. طی این مراحل، نام عبدالحی جامی - که از دیار روم نبوده است - حذف و کتاب به علاءالدوله نامی منتسب شده و تشیع کاتب نیز در آن پنهان شده است. همه این دانسته‌ها کوشندگان را بر آن داشت تا از نسخه «س» - سنای سابق - به عنوان نسخه اساس استفاده کنند و اختلافات قابل تأمل آن با نسخه «ح» - حمیدیه - را در حاشیه بیاورند. از کشف الاسرار چایی - با رمز «ک» - نیز به عنوان مرجع کمکی استفاده شده است.

پی‌نوشتها:

۱. در بحث راجع به نام کتاب، به نظر می‌رسد تفسیر لطائف صحیح باشد، نه لطائف التفسیر. یکی به دلیل اینکه در تمامی سرفصل‌های کتاب آمده است «تفسیر لطائف سورة فلان» و دیگر اینکه در ترقیم‌ها، فراغ‌ها و سایر یادداشت‌هایی که بر کتاب نوشته شده است، از کتاب با عنوان تفسیر لطائف یاد شده است.
۲. برای آگاهی از دیگر گزیده‌های کشف الاسرار، اعم از تاریخی و معاصر، ر.ک: کتابشناسی ابوالفضل رشیدالدین میدی (تحلیلی - توصیفی)، پژوهش و نگارش: حسین مسرت.
۳. مرحوم دکتر علی فاضل، که در احوال و آثار خاندان جامی و جامی تباران پژوهش می‌کردند، نیز از چنین شخصیتی شناختی نداشتند.
۴. در اصل: صلخ.
۵. بالای کلمه اصلاح شده: کاتب.
۶. علی‌رغم آنچه که در کتاب ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری آمده است، هم آگاهی‌هایی درباره کاتب و مؤلف در کتاب هست و هم کتاب، نسخه چرکنویس مؤلف نیست.
۷. به نظر می‌رسد که کاتب نسخه حمیدیه علاوه بر مواردی که بیان شد، از زبان و ادب فارسی نیز بهره چندانی نبرده بوده است. او هر جا که به واژه دشواری رسیده، آن را نقاشی کرده، یا بندها و عبارتهای بلندی را حذف نموده است.

منابع

- افشار، ایرج، کتابشناسی فهرستهای نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه‌های دنیا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۷.
- برگل، یو.ا.، ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ترجمه یحیی آرین‌پور و دیگران، تحریر: احمد منزوی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۲.
- جلالی پندری، یداء...، زبان اهل اشارت، تهران: انتشارات یزد، با همکاری کنگره بزرگداشت ابوالفضل رشیدالدین میبدی، ۱۳۷۴.
- حکمت، علی‌اصغر، کشف الاسرار وعدة الابرار معروف به تفسیر خواجه عبدا... انصاری، تألیف ابوالفضل رشیدالدین میبدی، تهران: امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۱، ۱۰ ج.
- دانش پژوه، محمدتقی و بهاء‌الدین علمی انواری، فهرست کتابهای خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی شماره ۲ (سنای سابق)، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۲ ج.
- دانش پژوه، محمدتقی، فهرست میکروفیلیمهای کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۳ ج.
- مسرت، حسین، کتابشناسی ابوالفضل رشیدالدین میبدی، (تحلیلی - توصیفی)، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۴.



بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

لطایف فائز الكتاب فصل في معاني النسب فان سؤالا من سأل عن معاني كل فرد في عالم الوجود
فدرا من الناجات الزمانية ابي منصور شاهان و ابا مسعود و پادشاهان و ابا فرید و بر سر ضعیفان
و ابا دستگیر کجستان و ابا منعم هجرت بلندین و منصور و دل نیازندان و ابا پیر رفتار هر بدر رفتار
و ابا ابر زنده هر کشتار بیست آمد بدرت کنه کار به محنت زده و اتمید و ابا از کرده خود
سیاه روین ماوز کنته خویش بر ساریه شاید ز در تو باز کرده و مردم چنین نمید و ابا ایها
را با کشتی اجل ثنا جان ننگ قدرت فرو برده و یکی بسا جل جلالت رسیده و ابا در امان جان
مقدس در با و به جلال تو فرو شده و یکی بکعبه مراد رسیده بیت ابا کار پود لانت از تو جهان
فریاد ما شناخت بر آسمان رسیده و عطف نگاه خوانیم کرمه هر نا و کج که بر سر چشم تو راست کرده
از پوست در که رشته ما استخوان رسیده ما بخرمت مقرران در کا هنته و بنظرت و اصلان صفت بارگاه
که بر کاتبیت بینات و اسرار با هادیت پدید آید و هر روز کار کالیه و مستاد در سلسله شریفان
و لطایف خجالت و کتب فوائد کائنات و منبع سعادت و صد بخش اعتراف و مصلحت با و اصل کار
دان و خلقت عظیم عالم و اربع چهار اخبار و مفا هر دین و مختار صلوات و سلم و بنسب شیم غبار
دار القرا و سوده دار عطف با ائمه و عطا با به محنت ما کردن با محنت روزگان راه
تحقیق و آیدگان یاقین من کل فی حق یقین که ما فرین شرفی و منار باره با حصول مطالب شایسته و
عشایر خود باز رسان ملاک بر نام و ابا هد شرفی و کرام که درین مقام شریف داده اند ما بسا
دولت و با نوح سعادت هر یک با بلال اقبال و شمال عزت و جلال راسته داره یا آله العالمین و با فیر التامین
الثناء النبویه صدر بدر عالمه سرور بینین و بنات آدم بابل جمن حکمت ما عند لیب ایشان شریعت
آن فوائد که کار موافقت ایتوب را در خانه و وفا بنتاج دعا پر کشتود و بر سر خاک بگای نشینت که هاتم
از زنده بستم سلطانان و کاه مقامت سلطانان انظار بر سر راه اند و در شده که عذرت نماز تعالی

دوره جدید سال چهارم، شماره دوم و پنجم، تابستان و پاییز ۱۳۸۵ (پیاپی ۳۴ و ۳۳)

بجز این
از سرگذشت کارکنان

معرفت چون این ضعیف از کاندایشان این . کاغذشان ازین ده و فلاس ازینم . جمله ملا
 و کذشتگان ما را با تمام . از لاله رحمت برعهه این ده در رسم . سبب ده ما را از
 کتاب و آنرا که سخن کرد با و ده و آنرا که امضا کند و آنرا که با طبع ششم . رتبا
 و رتبا و رتبا . در جرم بزم بزم عظیم و جسم اصغف و کرم . رتبا و رتبا و رتبا
 بر در تمام این روی سیاه دست ششم . رتبا و رتبا و رتبا و رتبا . در جرم ما را
 تو عظیم در ندانم تا کم . جرم ما را که عظیم است عنون تو اعظم از او
 معصیت که کرده شد با لطف و عنوت کرده ام .
 با حدت علی التمام و لرسوله فضل التمام و قدوع
 ما نوانه من نیتقنده الشیخ الشریفة المبارک
 ما سقاة بتفسیر الکتاب و قد تعف
 التباریة او اسطرقم الخ
 لبسته مع عشقنا
 علی بدید
 العبد الضعیف

صفحة آخر از نسخه حمیدیه

در جستجوی نسخ / لطایف التفسیر





Handwritten notes at the top of the page, including the word 'بسم الله' and other religious phrases.

Main body of handwritten text in Arabic script. The text begins with 'بسم الله الرحمن الرحيم' and contains several lines of supplications and religious statements. The script is dense and fills most of the page.

Vertical handwritten notes along the right margin of the page, providing additional commentary or context to the main text.

